

شیعیان نواحی شرقی

این منطقه که احساء، قطیف، ظهران و الهفوف را دربر می‌گیرد، چنانچه از نام آن پیداست، در بخش شرقی عربستان و به موازات خلیج فارس قرار دارد و به لحاظ چهره زمین ساختی هموار و عاری از هرگونه عارضه ارتفاعی است. تنها در بخش غربی آن ارتفاعاتی دیده می‌شود که شهر ریاض - مرکز حکومت عربستان - را در میان گرفته‌اند. مشرف بودن این ناحیه به خلیج فارس و مجاورت آن با کشورهای چون امارات متحده عربی، قطر و بحرین و مناسبات تاریخی فرهنگی ساکنین این بخش یا سرزمینهای یادشده و نیز دوری این منطقه از دیگر کانونهای شهری عربستان، موقع خاصی را پدید آورده است. ذخائر عظیم نفت و وجود حدود نیم میلیون نفر شیعه در آن، استان شرقیه را به عنوان کانونی پرخطر برای هیئت حاکمه عربستان درآورده است. خطری که نمی‌توان به سادگی از آن گذشت.

ناحیه نفت خیز احساء که در مشرق صحرای نجد قرار دارد بعدها به «استان شرقی» تغییر نام یافت تا از حس تمایز ناحیه‌ای آن کاسته شود. در طول تاریخ این ناحیه ساحلی غالباً در ارتباط نزدیک با عراق و حتی ایران بوده تا صحرای نجد و مردم آن از راه ماهیگیری و بازرگانی دریائی و مهمتر از آن زراعت در واحدها امرار معاش می‌کردند (۱).

با وجود آنکه این منطقه از ثروتهای طبیعی همچون نفت و انواع محصولات کشاورزی برخوردار می‌باشد ولی یکی از محرومترین نواحی عربستان به شمار می‌آید و در مقایسه با دیگر نقاط این کشور، در زمینه‌های عمران و آبادانی، راه‌سازی، بهداشت و آموزش و پرورش کمترین میزان سرمایه‌گذاری دولتی به مناطق شرقی اختصاص داده شده است. خانه‌های مسکونی در این

ناحیه غالباً کلنگی است و تا اوایل دهه ۱۹۸۰م سکونت در حلی آبادها کاملاً رواج داشت، اولین بیمارستان آن در ساله ۱۹۸۷ میلادی ساخته شد.

و هابیون در اوایل قرن سیزدهم در مشرق «احسا» که فصول نام داشت، ۳۰۰ نفر شیعه را کشتند و اموال ایشان را به غنیمت گرفتند، در ناحیه غزیمیل - که نزدیک احسا است - با مسلمانان شیعه به طرز فجیعی رفتار کردند و عده زیادی را کشتند (۲).

هنگامی که جمعی از شیعیان احساء به زیارت مرقد منور و مقدس رسول الله - ص - رفتند و شیخ محمد بن عبدالوهاب از این وضع خبر یافت. به هنگام عبور این افراد از شهر دزهیه (جایگاه محمد بن عبدالوهاب) به دستور وی محاسن زوار احسایی را تراشیدند و از فاصله درعیه تا احسا آنان را وارونه بر مرکبهای خود سوار نمودند (۳).

علمای وهابی نجد درباره شیعیان احسا این گونه فتوا دادند:

این سعود آنان را وادار کند تا بر اسلام (عقائد وهابی) بیعت کنند و از اظهار شعارهای دین خود منع گردند و نیز بر امام (ابن سعود) لازم است که به نمایندۀ خود در منطقه احسا فرمان دهد تا شیعیان آنجا را نزد شیخ ابن بشر - از علمای وهابی - حاضر نموده تا با او به دین خدا و رسول بیعت نمایند و آنان را ناگزیر سازند که صالحین از اهل بیت و دیگران را برای قضای حاجات خود نخوانند و دیگر بدعتها را از قبیل برپایی مراسم عزاداری و سستهای دیگری که به مذهبشان ارتباط دارد، ترک کنند و از زیارت مشاهد منع گردند و وادار شوند که در اوقات پنج گانه در مسجد حاضر شده و امام جماعت، مؤذن و نمایندگانی از اهل سنت برای آنان مشخص گردد و اگر مراکزی مشخص برای برپایی بدعتها خود دارند، تخریب شود. هرکس از شیعه احسا از قبول این مسایل اجتناب کند، از سرزمین مسلمین اخراج شود (۴).

آری یکی از مواردی که شیعیان عربستان حق ندارند به آن پردازند مسأله سوگواری برای خامس آل عبا حضرت امام حسین - ع - می باشد، در حالی که علامه امینی در کتابی به نام سیرتنا و سنتنا (که توسط محمد باقر شریف موسوی همدانی به فارسی هم ترجمه شده) به استناد احادیث مندرج در کتب صحاح سته و کتب روایی دیگر مورد اعتماد جامعه تسنن، این نکته را ثابت کرده که خداوند، رسول خدا - ص - را از کشته شدن امام حسین - ع - آگاه کرده بود و آن حضرت در مواقع مناسب بر مصائب امام حسین - ع - گریسته و این سوگواری جزء سنت رسول خدا بوده است و اگر کسی واقعاً تابع سیرت پیامبر است، نباید عاشقان چنین مراسمی را که در واقع سنت پیامبر

اسلام-ص- را پیروی کنند، این گونه مورد ایذا و آزار قرار دهند.

با تألیف کتاب «کشف الارتیاب» از سوی محقق جهان تشیع - حاج سید محسن امین جبل عاملی - که در آن عقاید و باروهای وهابیان را به صورت اصولی و منطقی رد کرد، وهابیون تا اندازه‌ای از رفتار ناگوار خود در خصوص شیعیان «احسا» دست برداشتند و یا حداقل رفتار خود را در این مورد کنترل نمودند اما این وضع دوام زیادی نیافت و شکنجه، دستگیری، بازداشت و تعقیب دسته جمعی مسلمانان شیعه با مشکلی خشن تر و روشی خطرناکتر آغاز گردید.

با اقتدار عثمانیان ناحیه احسا تحت حکومت آنان قرار گرفت و در سال ۱۳۳۰ هجری که دولت (عثمانی) به ضعف و فتور گرایید و با نیروی منهزم شده از جنگ بالکان کناره گیری نمود، ابن سعود فرصت را غنیمت شمرد و به احسا حمله برد و آنجا را از زیر نفوذ عثمانیها بیرون آورد و با انگلستان روابط سیاسی برقرار نمود، رابطه‌ای که در دوام حکومت و گسترش قدرت آل سعود، تأثیر زیادی داشت (۵).

این منطقه از سلطه آل عثمان رنج زیادی را متحمل گردید و با تسخیر آن توسط ابن سعود محنت مردم مضاعف شد، زیرا حاکمان عربستان با نام عقیده مذهبی و تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر به شیعیان احسا ستم می‌کنند و علمای وهابی در سال ۱۹۲۷م در پاسخی به سؤال آل سعود دربارهٔ موقعیت شیعیان، این افراد را منحرف و رافضی معرفی کردند و خواستار جلوگیری از انجام آزادانهٔ مراسم مذهبی آنان شدند. بعدها با فشار شیعیان دولت عربستان به شیعیان اجازه داد در مساجد مخصوص خود شعائر و فرائض دینی را به جا آورند. با این وجود مردم شیعهٔ احسا اجازه ندارند مسجد جدیدی بسازند و یا مراکز مذهبی خود را گسترش دهند در سال ۱۹۸۶ میلادی در شهر دهم شیعیان مسجدی جدید احداث نمودند که توسط پلیس مذهبی! تخریب گردید. همچنین شیعیان اجازه ندارند در اذان عبارت **اشهد ان علی ولی الله** را ذکر کنند شیعیان نه تنها اجازه ندارند «حسینیه» بسازند، بلکه حسینیه‌های موجود آنان بسته است.

در سال ۱۹۹۰م دولت عربستان حوزه علمیه المبرز شیعیان را تعطیل و برخی از مدرسین آن را دستگیر نمود (۶).

قرارداد استخراج نفت از منطقهٔ احسا (ظهران) در سال ۱۹۳۳ میلادی بین دولت سعودی و شرکت نفت عربی، امریکایی (آرامکو) بسته شد و از این تاریخ شرکت نفتی آرامکو به استخراج نفت از این منطقه اقدام نمود. شرکت نفتی آرامکو بزرگترین محل استخدام شیعیان در شرق عربستان بود و هم اکنون هم بین ۳۵٪ تا ۶۰٪ کلیه کارگران نفتی را شیعیان تشکیل می‌دهند.

شیعیان عقیده دارند که اگر ایالات شرقی به دست خاندان سعودی فتح نمی‌شد، ثروت سرشار نفت این منطقه قلمرو آنان را آبادان می‌نمود ولی درموقع کنونی با وجود آنکه شیعیان بر روی بزرگترین ذخیره نفت در منطقه شرقیه زندگی می‌کنند در مقایسه با سایر نقاط عربستان در فقر و محرومیت بسر می‌برند. عملاً بخش اعظم کارهای اجرایی نفت را شیعیان انجام می‌دهند و سرنوشت حکومت سعودی که ۲۵٪ ذخائر نفت دنیا و ۳۵٪ نفت اوپک را دارد اولین تولیدکننده نفت درجهان می‌باشد، در دست این مردمان شیعه رقم می‌خورد (۷) عدم توزیع این ثروت سرشار و نعمت خدادادی به صورت عادلانه در نواحی شرقی به نسبت دیگر مناطق تجلی خشم و غضبی است که وهاییان نسبت به شیعیان اعمال می‌کنند پس از انفجار یک مخزن نفتی در شهر جمیل که به دستگیری چهار جوان شیعه و زدن گردن آنان منجر شد، دولت از استخدام شیعیان به وسیله آرامکو ممانعت به عمل آورد، بقیه شرکتهای نفتی نیز از این رویه متابعت نمودند، ادامه این روند منجر به افزایش بیکاری در میان شیعیان گردیده است.

شرکت نفتی آرامکو برای افزایش فشار چاههای نفتی، آب دریا تزریق می‌نمود و از آنجا که شوری آب دریا بر نفت استخراج شده تأثیر نامطلوب می‌گذارد، این شرکت تصمیم گرفت تا از آب گوارای چشمه‌های احساء به جای آب شور دریا استفاده کند، رژیم سعودی برای اجرای این برنامه، طرح آبیاری را پیاده نمود. با آغاز این طرح امور کشاورزی در سطح احساء به شدت مختل شد، زیرا مقدار آبی که به مزارع می‌رسید، کافی نبود و تنها هر ده روز یک بار آب به مزارع می‌رسید آنهم برای ساعاتی محدود، چنین وضعیتی اختلاف و نزاع شدید بین کشاورزان را پدید آورد و آنان را به جان هم انداخت (۹).

اکثریت مردمان قطیف و روستاهای تابعه شیعه هستند، همان شیعیان که افسران آمریکایی از آنان وحشت دارند و با رفتار نیکوی خود جوانان اهل تسنن را به سوی خود جلب نموده و آنان را به انقلاب اسلامی ایران علاقه‌مند کرده‌اند. شیعیانی که به زوار ایرانی التماس می‌کرده‌اند تا عکس یا پیامی از امام خمینی (قدس سره) را به آنها بدهند. انسانهای خون‌گرمی که شعله انقلاب اسلامی تمام وجودشان را فرا گرفته و دیدار با ایرانیان آنان را خرسند و امیدوار می‌کند.

شیعیان شهر قطیف در سال ۱۹۷۹م برای اولین بار کوشیدند تا مراسم «عاشورای حسینی» را با شکوه فراوان در خیابانها و معابر عمومی به جای آورند. اما این مراسم با واکنش و تیراندازی قوای امنیتی سعودی مواجه گردید و تعدادی از سوگواران خامس آل عبا در خاک و خون غلطیدند و حسین حسین گویان به سوی معبود خویش شتافتند، گروهی نیز دستگیر

شدند که اغلب آنها بر اثر شکنجه زیاد در زندانها به شهادت رسیدند.

شیعیان دربارهٔ ایراز عقاید خود شدیداً در فشارند و از چاپ و ورود هر نوع کتاب یا نشریه شیعی به عربستان جلوگیری می‌گردد. در مطبوعات عربستان غالباً مطالبی تحریف‌آمیز علیه عقائد شیعیان منتشر می‌شود، چندی پیش در کتب درسی دانشگاه عربستان مطالبی برضد باورهای شیعه آمده بود که مردمان شیعه این سرزمین را به شدت عصبانی نمود. جمهوری اسلامی ایران نیز نسبت به انتشار این کتاب، اعتراض کرد (۱۰).

برخلاف این تضيیقات، حکام سعودی نتوانسته‌اند احساس شیعه بودن و شیعه ماندن و محبت خانواده عصمت و طهارت بودن را از دل شیعیان این منطقه بیرون کنند. شیعیان هر سال در ماه محرم و یا فرارسیدن ایام سوگواری اباعبدالله -ع- با وجود مخالفتها و مزاحمتهای سعودیها، سعی کرده‌اند با برگزاری مراسم ویژه و عزاداریهای حسینی، جلوه‌ای از شکوه و خشم خود را به معرض نمایش بگذارند.

گسترش تشیع در منطقهٔ قطیف سابقه‌ای بس طولانی دارد و این بطوطه سیاح قرن هشتم هجری در رحلهٔ خود می‌نویسد: در قطیف طوایفی از عرب سکونت دارند که رافضی (۱۴) هستند مؤذن آنها پس از شهادتین ذکر اشهدان علیاً ولی الله و نیز حی علی خیر العمل می‌گویند و بعد از اذان این جمله را اضافه می‌کنند محمد و علی خیر البشر و من خالفها فقد کفر (۱۱).

پی نوشتها:

- (۱) جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، آلسدیر در ایسدل و جرالدا ایچ. بلیک، ص ۲۰۸.
 - (۲) تاریخ المملكة العربية السعودية، صلاح الدین مختار، بیروت، ۱۹۶۹م، جلد اول، ص ۵۱.
 - (۳) وهابیان، علی اصغر فقیهی، ص ۲۰۵.
 - (۴) جزيرة العرب فی القرن العشرين، مصر، ۱۳۵۴هجری، حافظ وهبه صفحات ۳۱۲ تا ۳۱۸.
 - (۵) وهابیان، ص ۳۰۷.
 - (۶) به نقل از گزارش ۲۷۰ صفحه‌ای کمیته حقوقدانان مینه‌سوتای آمریکا که در زمینه حقوق بشر فعالیت می‌کند.
- 7 - saudi Arabia in the 1980s (Washington D.C The Brookings Institute 1981) p.92
- (۸) جنبشهای آزادی‌بخش، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ص ۵۰.
 - (۹) سرزمین اسلام، تألیف نگارنده، ص ۱۰۸.
 - (۱۰) رحلهٔ ابن بطوطه، ص ۱۷۷.